



الدَّرْسُ السَّابِعُ

مُخْتَبَرُ إِدِيسُون



الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم: (۲۵ كلمة جديد)

آلة:	دستگاه «جمع: آلات» آلة طَبَاعَة: دستگاه چاپ	طَبَعَ:	چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)
أَحْسَنَ عَمَلًا:	کاری را نیکو انجام داد	طَرَدَ:	با تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)
أَدَوَات:	ابزارها «مفرد: أداة»	طُفُولَة:	کودکی
أَضَاعَ:	تباه کرد (مضارع: يُضِيعُ)	عَرَبَة:	واگن، گاری
أَنْقَذَ:	نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ)	كَثُرَ:	زیاد شد (مضارع: يَكْثُرُ)
بَضَائِع:	کالاها «مفرد: بضاعة»	كَمَّلَ:	کامل کرد
بَطَّارِيَة:	باتری	كِيْمِيَاوِي:	شیمیایی
تِمَثَال:	تندیس «جمع: تماثيل»	مُسَجَّل:	دستگاه ضبط
رَئِيسِي:	اصلی	مَطْبَعَة:	چاپخانه «جمع: مطابع»
شَرِكَة:	شرکت	نَفَقَات:	هزینه‌ها «مفرد: نفقة»
صِنَاعَة:	صنعت «صِنَاعِيَّة: صنعتی»	نوم:	خواب
طاقة كهربائية:	نیروی برق گهرباء: برق	وَضَعَ:	گذاشت «مترادف: جَعَلَ»
		يَدُورُ عَلَى:	می‌چرخد دور ...

ثَمَرَةُ الْجِدِّ

1 كَانَ إِدِيسُون فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أَسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَفَقَاتِ دِرَاسَتِهِ؛

2 فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنْهُ:

«إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقُ.»

3 فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ

بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا.

4 كَانَ إِدِيسُون ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ

أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.



تَمَثُّلُ إِدِيسُون
أَمَامَ الْجَسْرِ

5 إِدِيسُون أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي

مَنْزِلِهِ وَبَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرِ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ

الْكِيمَاوِيَّةِ وَالْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَبَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ

كثِيرَةٍ صَارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَقَدَرِ عَلَى

شِرَاءِ آلَةٍ طَبَاعَةٍ وَوَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ الْبُضَائِعِ **8** وَفِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ

عُمْرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَطَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ.

9 فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمَاوِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ

حَرِيقٌ؛ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ، وَعِنْدَمَا أَنْقَذَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ

رَئِيسًا فِي شَرِكَتِهِ.



نتیجه کوشش

- 1 ادیسون در هفت سالگی از عمرش بود زمانی که خانواده اش از پرداخت هزینه های تحصیلی اش ناتوان شد،
- 2 پس مدیر مدرسه او را از مدرسه اش به تنهایی راند و درباره اش گفت: «او دانش آموزی احمق است»
- 3 پس میوه فروش شد ولی او ترک تحصیل نکرد بلکه با کمک مادرش درس خواند. او خیلی کم تلاش کرد.
- 4 ادیسون به دلیل اتفاق یا بیماری که در روزهای کودکی به او رسیده بود، کم شنوا بود.
- 5 ادیسون شیمی را دوست داشت پس آزمایشگاه کوچکی در منزلش ساخت.
- 6 و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را بخرد. در واکن کالای غار دار
- 7 و پس از تلاش های بسیار توانست مسوولی در یکی از قطارهای شود و توانست دستگاه چاپ بخرد و آن را
- 8 در ۱۵ سالگی از عمرش روزنامه دیواری نوشت و آن را در قطار چاپ کرد. بیرون کرد
- 9 در یکی از روزهای یکی از شیشه های مواد شیمیایی در چاپخانه شکست پس آتش سوزی شد پس رئیس قطار او را
- 10 و زمانی که کودکی را از زیر قطار نجات داد پدر کودک او را رئیس در شرکتش کرد.
- 11 ادیسون شب و روز در آزمایشگاهش مشغول بود.
- 12 او اولین کسی است که آزمایشگاه هر برای پژوهش های صنعتی ساخت.
- 13 ادیسون پس از این اختراع مهم را اختراع کامل کرد: بخشی از آن چراغ برقی و فیلم موت و تها و برترتک و دستگاه سینما و باطری ماشین است.
- 14 او توانست اولین شرکت را برای تولید برق تأسیس کند.
- 15 و نیروی برق در این عصر دلیل اصلی برای پیشرفت صنایع است. (کلمه ۳)
- 16 "قطعا کسانی که ایمان آورند و کارهای نیک انجام دادند قصه ما یادش کسی را که کار نیک کند! بانه نمی بینیم"



11 كَانَ إِدِيسُون مَشْغُولًا فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا.

12 هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلأَبْحَاطِ الصَّنَاعِيَّةِ.

13 اخْتَرَعَ وَ كَمَّلَ إِدِيسُون أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ

مُهُمٍّ؛ مِنْهَا الْمِصْبَاحُ الْكَهْرَبَائِيُّ وَ الْمَسْجِلُ وَ الصُّورُ

الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السِّنِمَا وَ بَطَّارِيَةُ السَّيَّارَةِ. إِنَّهُ قَدَرَ

عَلَى تَأْسِيسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ لِتَوْزِيعِ الطَّاقَةِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ.

15 وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ

لِتَقَدُّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.

16 هَلْ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

الْكَهْف: ٣٠

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.



۱. عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُون سَبْعُونَ.

۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.

۳. أَحَبَّ إِدِيسُون عِلْمَ الْكِيمِيَاءِ فِي صِغَرِهِ.

۴. سَاعَدَتْ أُمُّ إِدِيسُون وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.

۵. وَضَعَ إِدِيسُون آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

ترکیب وصفی ← (موصوف و صفت)



آثار تَحْتَ جَمَشید فی مَحافظه فارس



قلعه فَلَکِ الأفْلاک فی مَحافظه لرستان

هَذَا أَثَرٌ تَارِيخِيٌّ فِي مَحَافِظَةٍ كَبِيرَةٍ.
این اثری تاریخی در استان بزرگ است

هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مَحَافِظَةٍ جَمِيلَةٍ.
این قلعه‌ای تاریخی در استانی زیباست

ترکیب اضافی ← (مضاف و مضاف‌الیه)



تِمَثَالُ الْمُتَنَبِّي^۲، فِي مَدِينَةِ بَغدَادِ.
نندیس متنبی در شهر بغداد



تِمَثَالُ الْعُلَمَاءِ فِي مَقَرِّ مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ^۱.
نندیس دانشمندان در جایگاه سازمان ملل متحد

۱- تندیس دانشمندان ایرانی در جایگاه سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش
۲- شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس، متولد کوفه

«موصوف»، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می‌آوریم که «صفت» نامیده می‌شود.

«مضاف»، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود؛ مثال:

موصوف و صفت		مضاف و مضاف‌الیه	
مُخْتَبَرٌ صَغِيرٌ	آزمایشگاهی کوچک	مُخْتَبَرُ الْمَدْرَسَةِ	آزمایشگاهِ مدرسه
الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ	صنعتِ جدید	صِنْعُ الْوَرَقِ	صنعتِ کاغذ
طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ	دانشجویانی کوشا	طُلَّابُ الْجَامِعَةِ	دانشجویانِ دانشگاه
		حَقِيقَةُ الْمُعَلِّمِ	کیفِ معلم
		حَقِيقَتُهُ ^۱	کیفش

ترکیب «اضافی – وصفی»

به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید^۲:

۱. سَاعَدْتُ أُخْتِي الْكَبِيرَةَ جَدَّتَنَا.

خواهرِ بزرگم به مادرِ بزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةِ وَاجِبَاتِهِ.

برادرِ کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

۱- ضمیر در دستور زبان عربی، اسم به شمار می‌آید.

۲- در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌هایی مانند کتاب استفاده کرد.

توجه: در زبان عربی - برخلاف فارسی - بین مضاف و مضاف‌الیه، صفت قرار

نمی‌گیرد؛ مثال:



عُرْفَتِي: اتاقم (مضاف + مضاف‌الیه)

عُرْفَتِي الصَّغِيرَةُ (مضاف + مضاف‌الیه + صفت)

اتاق کوچکم (مضاف + صفت + مضاف‌الیه)

الف) جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ أَخِي الْأَكْبَرِ.

مادم پوشید انگشتر طلایی‌اش را در جشن تولد برادر بزرگترم

۲. شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَايَةِ الْمُسَابَقَةِ.

تشویق کردیم تیم برنده‌مان را در پایان مسابقه

۳. قَسَمْتُ مَرْزَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

مرزمره بزرگمان را به دو نیم تقسیم شد

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

او تالیف مدرسه‌ای‌اش را انجام می‌دهد.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةُ مُفِيدَةً.

سفر علمی‌مان مفید بود

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

بر خاطر کار نیلت از تو تشکر می‌کنم

ب) مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم

کنید.

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:



درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.



١. «الشَّرَكَةُ» مُؤَسَّسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.



٢. «الْقِطَارُ» مَكَانٌ بَيْعِ البَضَائِعِ مِثْلُ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.



٣. «الْمَطْبَعَةُ» مَخْرَنٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.



٤. «الطُّفُولَةُ» هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.



٥. «الصَّاعِقَةُ» كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان

خط کشیده شده است، معلوم کنید.



جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.

صفت

صفت

سربازان قوی ما، سربازانی با ایمان هستند.

مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ

مِصْفَهَانِ.

مضاف الیه

مسجد امام اثری قدیمی در استان اصفهان است.



الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى
نَهْرِ كَارُون.
پل سفید روی رودخانه کارون است

مَرْقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي
مَدِينَةِ هَمْدَان.
آرامگاه دانشمند ایرانی ابن سینا در شهر همدان است

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

عَاقِلٌ ≠ مَجْنُونٌ	رَقَدَ = نَامَ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ
جُلُوسٌ ≠ قِيَامٌ	سَدَّ ≠ فَتَحَ	طَوِيلٌ ≠ قَصِيرٌ
جَاءَ = أَتَى	صَعَبٌ ≠ سَهْلٌ	وَضَعَ = جَعَلَ
قَرَعَ = طَرَقَ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	أَعْدَاءٌ ≠ أَصْدِقَاءٌ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

أُنْقِذَ - رَيْسِي - احْتَرَقَ - طَبَعَ - نَفَقَاتُ - الصَّحِيفَةُ - بَضَائِعَ

١. كَانَتْ **نَفَقَاتُ** الْجَامِعَةِ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.
٢. اِنْكَسَرَتْ إِحْدَى الزُّجَاجَاتِ فِي الْمُخْتَبَرِ؛ فَ**احْتَرَقَ** كُلُّ الْأَشْيَاءِ.
٣. يَجْلِبُ التَّاجِرُ **بَضَائِعَ** جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.
٤. يَبْدَأُ وَالِدِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ **الصَّحِيفَةِ** دَائِمًا.
٥. **أُنْقِذَ** إِدِيسُونَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دَهَبَ: نرفت	لا يَذْهَبُ:	سَيَذْهَبُ:	اِذْهَبْ:	لا تَذْهَبْ:
	نمی‌رود.....	خواهند رفت	برو	نرو
ما شَرَبُوا: نوشیدند	لا يَشْرَبُونَ:	سَيَشْرَبُونَ:	اشْرَبُوا:	لا تَشْرَبُوا:
	نمی‌نوشند.....	خواهند نوشید	بنوشید	ننوشید
ما غَسَلَ: نشست	لا يَغْسِلُ:	سَوْفَ يَغْسِلُ:	اغْسِلْ:	لا تَغْسِلْ:
	نمی‌شوید.....	خواهند نشست	بشوی	نشوی

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید^۱.

۱. عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ.

یا خدا بر تو لازم است پس قضا آن، روشنائی دل است

۲. جَلِيسُ السَّوِّ شَيْطَانٌ.

همنشین بد شیطان است

۳. الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.

دنیا مزرعه آخرت است

۴. الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.

علم کبھی عظیم است

۵. النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ.

خواب برادر مرگ است



تحقیق کنید و یک فرد را که با تلاش بسیار در زندگی موفق شده و به بشریت خدمت کرده است، در کلاس معرفی کنید.

بِقَوْلِهِ

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِلَى الرَّابِعِ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَدِيثُ الْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ السُّورِ الْمَكِّيَّةِ وَ السُّورِ الْمَدَنِيَّةِ؟

السُّورُ الْمَكِّيَّةُ نَزَلَتْ قَبْلَ الْهَجْرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ، *سوره های مکی پیش از هجرت به مدینه نازل شده است*
وَأَغْلَبُهَا *يَدُورُ عَلَى* بَيَانِ الْعَقِيدَةِ، *و غالب آن بیرون بیان عقیده است*
أَمَّا السُّورُ الْمَدَنِيَّةُ نَزَلَتْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، *ولی سوره های مدنی بعد از هجرت نازل شده است*
وَيَكْثُرُ فِيهَا بَيَانُ الْأَحْكَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. *و در آن بیان احکام از حلال و حرام بیشتر است*

